

حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان در بحران قره باغ و تبعات مثبت و منفی آن

یک کارشناس روابط بین‌الملل گفت: ترکیه تلاش می‌کند خود را در قد و قامت کشوری نشان دهد که نه تنها در عراق، سوریه، شرق مدیترانه و بخشی از آفریقا، بلکه در آسیای میانه و قفقاز نیز، حرف‌هایی برای گفتن دارد.



به گزارش آرآن نیوز به نقل از ایسنا؛ مهتاب رضایی در یادداشتی با عنوان "حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان در بحران قره باغ و تبعات مثبت و منفی آن" نوشت: در روزهای اخیر بحران قره باغ با تحولات جدیدی روبروست. این بحران قبل از فروپاشی شوروی آغاز و پس از اضمحلال این امپراتوری، تشدید گردید. با میانجی‌گری گروه مینسک از سال ۱۹۹۴، آتش‌بس برقرار شده و بحران موجود به صورت نه جنگ، نه صلح ادامه یافته است. گاهی اوقات با نقض آتش‌بس، درگیری‌های محدودی صورت گرفته و جمهوری آذربایجان به منظور بازپس‌گیری بخشی از مناطق اشغالی خود حملاتی را انجام داده که معمولاً به نتیجه خاصی نرسیده و تنها در سال ۲۰۱۶، این کشور توانست بخش بسیار کوچکی از قلمرو خود را بازپس گیرد. در سال ۲۰۲۰ نیز دوبار بین طرفین درگیری رخ داد که آخرین آن، خارج از حوزه مناقشه بود و هدف آن خطوط انتقال انرژی بود که نفت و گاز جمهوری آذربایجان را به ترکیه منتقل می‌کند. در آن موقع این درگیری به رقابت روسیه و ترکیه در منطقه نسبت داده شد.

دور جدید درگیری بین جمهوری آذربایجان و ارمنستان در ۲۷ سپتامبر ۲۰۲۰ آغاز شد و هر یک از طرفین، طرف مقابل را به آغاز درگیری متهم کردند.

در هر حال با آغاز این درگیری‌ها، جمهوری آذربایجان حملات گسترده‌ای را به مناطق اشغالی تدارک دید و برخلاف درگیری‌های قبلی مدت آن کوتاه نبوده و همچنان ادامه دارد. درگیری اخیر بین دو کشور از ویژگی‌های خاصی برخوردار است که در این نوشته صرفاً نقش ترکیه در این درگیری مورد اشاره قرار خواهد گرفت. ترکیه از آغاز این مناقشه تا کنون همواره از مواضع جمهوری آذربایجان دفاع کرده و لزوم تخلیه مناطق اشغالی را مورد تأکید قرار داده است، ولی تا قبل از درگیری اخیر، ترکیه هیچ اقدام عملی خاصی انجام نداده و تنها به صدور بیانییه در حمایت از جمهوری آذربایجان اکتفا می‌کرد.

این کشور اولین بار در درگیری‌های (چهار روزه) ژوئیه ۲۰۲۰ دست به اقدام عملی زد. این درگیری‌ها ۳۰۰ کیلومتر دورتر از مناطق مورد مناقشه و در منطقه تاووش ارمنستان و تووز آذربایجان، در مجاورت مرزهای دو کشور با گرجستان رخ داد. پس از آن است که ترکیه در دور جدید درگیری‌ها بین دو کشور متخاصم در قفقاز، نقش فعالی ایفا کرده و می‌توان مدعی شد که مستقیماً وارد مقابله با نیروهای ارمنی شده است.

پیش از این، اردوغان رئیس‌جمهوری ترکیه برای نزدیکی هر چه بیشتر به جمهوری آذربایجان، اقداماتی را انجام داده است. برای مثال؛ در سال ۲۰۱۸ در صدمین سالگرد استقلال آذربایجان، اردوغان با سفر به باکو و قرائت شعری با مضمون برادری و اتحاد این دو کشور، محبوبیت خود را در اذعان عمومی آذربایجان افزایش داد. در نشست اخیر سازمان ملل، اردوغان از جمهوری آذربایجان در بحران قره باغ حمایت کرده و با متهم کردن ارمنستان به شروع جنگ، اعلام کرد ارمنستان بزرگترین مانع برقراری صلح در منطقه قفقاز جنوبی است. اردوغان در نشست سال گذشته سازمان ملل نیز در سخنرانی خود به این مسئله اشاره کرده و حمایت خود را از آذربایجان اعلام کرده بود. ترکیه، برای حمایت از جمهوری آذربایجان به این موارد بسنده نکرد و دست به اقدام ضد امنیت منطقه زده و گروهی از مخالفین سوری را از ادلب و مناطق دیگر سوریه جمع‌آوری و آنان را برای جنگ با ارامنه به باکو فرستاد.

خروج جمهوری آذربایجان از پیمان امنیت دسته‌جمعی در سال ۱۹۹۹ و نزدیکی بیشتر نظامی باکو به آنکارا به عنوان عضوی از پیمان ناتو، احداث خطوط متعدد نفت و گاز از جمله باکو-تفلیس-جیهان، خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم، مشارکت آذربایجان در شورای کشورهای ترک‌زبان به محوریت ترکیه و در نهایت تشکیل شورای مشترک همکاری‌های استراتژیک دو کشور، تنها بخشی از پیوندهای گسترده بین باکو و آنکارا در سه دهه گذشته به شمار می‌رود.

حمایت ترکیه از جمهوری آذربایجان علاوه بر اشتراکات فرهنگی، زبانی و دینی، دلایل دیگری هم دارد:

۱- تلاش ترکیه برای نفوذ در منطقه آسیای مرکزی و قفقاز: جمهوری آذربایجان تنها کشور تا حدودی هم‌زبان با این کشور در منطقه است،

۲- تلاش ترکیه برای تضعیف هرچه بیشتر ارمنستان: ترکیه در مقابل ارمنستان با دو چالش عمده روبروست: نسل‌کشی ارمنی‌ها توسط ترک‌ها در سال ۱۹۱۵ و ادعای ارضی ارمنی‌ها بر حدود یک سوم از خاک کشور ترکیه،

۳- دسترسی به منابع عظیم انرژی آذربایجان اعم از نفت و گاز: ترکیه برای تأمین انرژی مورد نیاز خود تحقق رویای دیرینه اش یعنی تبدیل شدن به یک هاب انرژی منطقه‌ای به این انرژی نیاز دارد. منطقه تووز جمهوری آذربایجان محل عبور خطوط لوله نفت و گاز باکو-تفلیس-جیهان، خط لوله باکو-تفلیس-ارزروم و نیز راه آهن باکو-تفلیس-قارص است. خط لوله

جنوبی قفقاز جنوبی که با اتصال به دو خط لوله تاپ و تاناپ، جمهوری آذربایجان، گرجستان و ترکیه را به مسیر اصلی کریدور جنوبی انتقال انرژی جمهوری آذربایجان به ترکیه و اروپا تبدیل کرده است، از اهمیت بسیار بالایی برای ترکیه برخوردار است. ۴- رقابت با روسیه: در سال های اخیر ترکیه با دخالت در جنگهای سوریه و لیبی بواسطه ی حمایت از گروههای تروریستی و تجاوز مستقیم به خاک سوریه، بطور نسبی در مقابل روسیه، قرار گرفته و موضوع رقابت این دو کشور در قفقاز هم مطرح است. ۵- تلاش برای ارتقاء جایگاه خود در منطقه قفقاز: ترکیه به دنبال ارتقاء جایگاه خود در منطقه قفقاز است. ترکیه تلاش می کند خود را در قد و قامت کشوری نشان دهد که نه تنها در عراق، سوریه، شرق مدیترانه و بخشی از آفریقا، بلکه در آسیای میانه و قفقاز نیز، حرف هایی برای گفتن دارد.

۶- ایجاد اتحاد بین نیروهای ملی گرا (احزاب لائیک) و دینی (احزاب اسلام گرا) در ترکیه؛ حمایت از جمهوری آذربایجان در رویارویی نظامی با ارمنستان، می تواند: الف) بخش مهمی از شکاف بین دولت اسلام گرای اردوغان با جریان های ملی گرا و لائیک ترکیه را برطرف نماید، ب) سابقه قبلی رهبران حزب عدالت و توسعه در عادی سازی مناسبات با ارمنستان را به فراموشی بسپارد و ج) دولت ترکیه را همچنان متعهد و وفادار به آرمان های ملی گرایانه آتاتورک نشان دهد. اگر یک نگاه کلی به دوران قدرت حزب عدالت و توسعه در ترکیه ببینیم این موضوع تقریباً تنها موضع در سیاست خارجی این کشور است که تمامی طیف ها در آن اتفاق نظر دارند و از آن حمایت می کنند. با یک جستجوی ساده در سایت های ترک، آذری و انگلیسی زبان می توان دید که تعداد موضع گیری‌ها، سخنانی ها، توییت ها و خبرهای مربوط به بیان دیدگاه مقامات و سیاستمداران ترکیه در مورد ارمنستان و قره باغ، به مراتب بیشتر از تعداد مواضع مسئولین خود جمهوری آذربایجان است. با توجه به اینکه بسیاری از کشورهای جهان، مسیر نظامی را راه حل مناقشه قره باغ نمی دانند، به تشویق جنگ از جانب ترکیه و اکنشهای منفی نشان داده اند. پس از گذشت دو هفته از درگیری نظامی در منطقه قره باغ، روسیه ابتکار عمل دیپلماتیک را بدست گرفت و پوتین، رئیس جمهور این کشور در بیانیه ای خواستار توقف جنگ شده و کشورهای آذربایجان و ارمنستان را برای رایزنی و بررسی راه های پایان جنگ در قره باغ به مسکو فراخواند.

در تاریخ ۹ اکتبر ۲۰۲۰ نشستی با حضور وزرای امور خارجه سه کشور در مسکو برگزار شد. سه طرف بعد از ۱۰ ساعت مذاکره در مورد یک سند مشترک و برقراری آتش بس در منطقه قره باغ به توافق رسیدند. هرچند طرفین درگیر پایبندی چندانی به آتش بس از خود نشان نداده و درگیری های نظامی هنوز ادامه دارد.

نکته قابل توجه در توافق صورت گرفته بین طرفین، متعهد ماندن به مذاکرات در چارچوب گروه مینسک است. این بدان معناست که ترکیه حق مداخله و شرکت در این مذاکرات را نخواهد داشت. شاید ترکیه با پیش بینی چنین وضعیتی گروههای تروریستی را وارد منطقه ساخت تا ضمن ایجاد خطرات امنیتی علیه کشورهای منطقه، اهرم فشاری برای تحت فشار قرار دادن جمهوری آذربایجان داشته باشد، تا دولت این جمهوری مطابق با خواست ترکیه حرکت کند. گروههای تروریستی به هیچ اصولی پایبند نیستند و به نظر نمی رسد که وادار سازی آنها به رعایت آتش بس کار ساده و آسانی باشد.